

درس اول - Besser Deutsch

written by مرتضی غلام نژاد | می 3, 2023

سلام دوستان ؛

در اولین درس از سری دروس Besser Deutsch میخواهیم به لغات زیر بپردازیم.

immer gerne

wie üblich

wie auch immer

schnallen

kapieren

اجازه بدید که با دو فعل schnallen و kapieren شروع کنیم.

معمولاً خارجی ها هرگاه بخواهند بگویند: متوجه شده ام یا فهمیدم ؛ میفهمم از جملاتی مانند Ich habe verstanden, ich verstehe و ... استفاده میکنند ؛ در صورتی که ما افعالی همانند schnallen و kapieren را نیز داریم که معانی و مفهوم مشابه ای به فعل verstehen دارند.

schnallen حالی کسی شدن ؛ ملتفت شدن ؛ فهمیدن

نکته : البته این فعل می تواند معانی : با تسمه چیزی را بستن را نیز بدهد.

گذشته ساده : schnallten

گذشته کامل : haben geschnallt

هرگاه به معنی : حالی کسی شدن ؛ ملتفت شدن را بدهد:

Ich muss es ihm drei Mal erklären, bevor er es endlich schnallte

من باید آن (موضوع را) سه مرتبه به او (مذکر) توضیح دهم ؛ پیش از اینکه او (مذکر) در نهایت آن (موضوع را) بفهمه (

دستگیرش بشه)

در فارسی : من باید (هر) موضوعی را سه مرتبه توضیح بدم تا این حالیش بشه!

Haben Sie mich ganz schön geschnallt?

به خوبی ملتفت شدید؟ (منظورم را به خوبی حالی شما کردم؟)

Ich habe es gut geschnallt

من آن (موضوع یا مطلب را) به خوبی دستگیرم شد. (فهمیدمش ؛ ملتفت شدم)

هرگاه معنی : چیزی را با تسمه بستن بدهد:

Hast du die Skier schon auf den Dachträger des Autos geschnallt?

چوب اسکی ها را به خوبی به (روی) باربند ماشین بسته ای؟ (سفت و محکم آنها را بسته ای؟)

enger schnallen تنگ تر بستن ؛ سفت (تر) کردن

weiter schnallen گشاد تر بستن ؛ شل (تر) کردن

فعل بعدی که می‌خواهیم به آن بپردازیم فعل kapieren می باشد که معانی نزدیک به verstehen و schnallen را به همراه خود دارد.

kapieren حالی کسی شدن ؛ فهمیدن ؛ سر در آوردن ؛ شيرفهم شدن ؛ خرفهم شدن

گذشته ساده : kapierten

گذشته کامل : haben kapiert

Ich habe die Matheaufgabe nicht kapiert

تکلیف ریاضی حالیم نشد! من از تکلیف ریاضی سر در نیاوردم

Kapierst du endlich?

بالاخره یا در نهایت شیرفهم شدی؟ سر در آوردی؟ متوجه شدی؟

Ist das wirklich do schwer zu kapieren?

درکش انقدر سخته؟ (میتونه کمی بی ادبانه هم باشه)

فهمیدنش انقدر سخته؟

در ادامه به سه اصطلاح immer gerne , wie üblich, wie auch immer می پردازیم.

معمولاً هرگاه کسی از ما تشکر میکند ؛ مثلاً میگوید: Dankeschön ما از عبارت Bitteschön استفاده میکنیم ، ما می توانیم برای اینکه به طرف مقابل نشان بدهیم که زبان آلمانی خوبی داریم می توانیم از عبارت : immer gerne استفاده کنیم.

immer gerne را زمانی استفاده میکنیم که ما همواره با کمال میل به یک نفر کمک میکنم و هنگامی که او از ما تشکر میکند ما با immer gerne این مفهوم را به طرف مقابل انتقال میدهیم که من همیشه (حتی در آینده نیز) با کمال میل بهت کمک میکنم و یه جورایی نیازی به تشکر ندارد.

wie üblich را هنگامی استفاده میکنیم که بخواهیم بگوییم طبق معمول ؛ همانطور که اغلب هستش ؛ برای درک بیشتر به مثال زیر توجه کنید:

Sie kam wie üblich zu spät

او (مونث) طبق معمول خیلی دیر آمد.

نکته : wie üblich می تواند عمل یا کاری باشد که طبق عادت اتفاق می افتد (همیشه نیست ولی خب اغلب اوقات نیز رخ میدهد)

نکته : شاید برایتان سوال پیش بیاید پس wie immer چه کاربردی دارد ؛ در واقع wie immer خیلی شدت بیشتر دارد ؛ (همیشه خدا) ولی wie üblich تاکید کمتری دارد (اغلب اوقات ؛ گاهی - اما رو به زیاد شدن)

Sie kam wie immer zu spät

او مثل (مونث) همیشه خیلی دیر آمد.

در نهایت و در پایان درس به اصطلاح wie auch immer می پردازیم:

wie auch immer را می توان در فارسی (هرچی یا هر چه) معنی کرد ؛ برای درک بیشتر به مثال زیر توجه کنید:

Wie auch immer, am nächsten Tag klopft er nicht mehr

هر چی ؛ در روز بعدش اون دیگه در نزد!

در واقع ما وقتی از wie auch immer استفاده میکنیم که بخواهیم بحث را عوض کنیم و به موضوع اصلی بپردازیم ، برای مثال طرف مقابل ما کلی توضیح میدهد که برای یک نفر چه اتفاق های افتاده است ؛ حال ما میخواهیم صحبت های او را قطع کنیم و به موضوع اصلی تر بپردازیم ، به مثال زیر توجه کنید:

Wie auch immer, ich bin glücklich mit dir

هر چی ؛ (مهم نیست چه اتفاقی افتاده در هر صورت یا به هر حال) من با تو شاد و خوشحالم.

Wie auch immer, auf meinen Seiten finden Sie etwas für sich

هر چی (به هر حال و در هر صورتی) شما چیزی (مطلب آموزشی) به روی سایت من برای خودتان (برای یادگیری) پیدا میکنید.

مثلا شما به یکی میگویید Guten Tag و اون به شوخی میگوید Guten Abend یعنی الان دیگه روز نیست و بعد از ظهر است ؛

در این حالت میتوان گفت :

Guten Tag, Guten Abend, wie auch immer

روز بخیر ، عصر بخیر ، حالا هر چی ^۴

برای مهم نیست روز هستش یا عصر هستش اون چیزی که مهم هست وقت بخیر گفتنم هست ^۴

چنانچه شما نیز در مورد این درس سوال ، مثال یا نظری دارید ، می توانید آنرا برای استفاده خود و دیگران در بخش نظرات همین درس درج کنید.

موفق باشید.